

## زبانهای پامیری آینه قدنما زبان اوستایی و فرهنگ کهن سال مهین ما



نویسنده : هزاره بیک سوداسپندکوهی

۲۸ دسمبر ۲۰۱۶

اشکاشم- افغانستان

بدخشان سرزمینی که با تمدن بیش از پنج هزار سال و با داشتن معادن لعل و لاجورد در جهان مهشور است، یگانه مهد پرورش آریاییان اصیل بشمار میرود. جای بسا تاسف که باگذشت زمان بگونه درست از طرف محققین و پژوهشگران، این سرزمین تاریخی مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است و اگر تحقیقات هم صورت گرفته از دست دوم و سوم بوده و واقعات در آن بگونه دیگر بیان شده است.

بدخشان که یک سرزمین وسیع را احتوا میکند، پژوهشگران اصلاً از زیادترین نقاط و محلات این خط باستانی هیچ نوع آگاهی ندارند و چنین کار سبب آن شده که گاهی نام یک محل را به جای دیگر نسبت می دهند و در اثر آن کلمات اصیل آریایی معنی دیگر را به خود میگیرند و من خواستم در این مقاله در مورد تغییر این محلات اشاره نمایم.

همچنان درین خط باستانی مردمانی زیست دارند که مهشور به پامیری بوده و زبان شان از یک مادر زاده شده در این سرزمین پرورش یافته و در طلائم امواج زمان تا امروز زنده نگهداشته شده است که دانشمندان و محققین زبان های پامیری را جز شاخه مشرقی خانواده السنه ایرانی می شمارند که باقیمانده زبان (زند یا اوستایی) است که قدامت آن نظر به ساسانی بیشتر میباشد.

محترم **احمد علی کهزاد** در تاریخ ادبیات افغانستان می نویسد: «هماطوریکه زبان سرود های **ویدی** از لسان هندی مشترک نمایندگی میکند، زبان زند یا **اوستایی** قدیم ترین مظهر لسان ایرانی مشترک است.» در زبان **زند** منظومه هایی بنام **سرود گاتا** که شباهت آن با زبان **وید** دلیل بر مبادا مشترک آنها و متکلمین آنهاست در شمال افغانستان یا حوزه آمودریا – و آنچه بیشتر این مطلب را تایید می کند شباهت بین زند و پشتو و بین زند و زبانهای دسته گلچه پامیری که همه امروز در افغانستان معمول و مروج است.

چنانچه در بیشتر کتب ادبی و تاریخی نخستین مهد پرورش آریایها را سرچشمه های اکسوس و شمال سلسله کوه هندوکش ثبت نموده اند که به اثر ازدیاد نفوس و تاثرات وضع جوی بتدریج از نقاط مرتفع به مهاجرت ها پرداخته و شهر نشینی را اختیار نموده اند، که در قدیم ترین اثر **کتاب اوستا** در سرودهای ریگ وید جملات صد زمستان و صد خزان زیاد استعمال شده که نشان دهنده مناطق زیست آنهاست. با آنکه موسوم گرمی این سرزمین بیشتر از دو ماه در سال نیست و ده ماه دیگر را میتوان زمستان شمارید که ثبوت جملات سرودهای **ریگ وید** است و در کتاب اوستا بیان گردیده است. آنچه که در بعضی از آثار پژوهشگران بگونه اساطری و قول نقل هستند، نمیتوان آنها را جواب گویان تاریخی دانست این سرزمین دانست بخاطریکه طبیعت بهترین کتاب زنده گی است که آثار و علایم باقیمانده را به زبان گویا بیان میکند. **دکتر مرادی** زحماتی را در رابطه به تاریخ بدخشان متحمل شده اند که جای افتخار است، ولی نکته مهم آنکه در بیان دورهای اساطری در اثر خویش راجع به سرزمین که دانشمندان آنرا نخستین مهد پرورش آریایا- پیشدادی، کیانی دانسته اند خصوصاً **واخان**، اشکاشم و زیباک ذکر شایان به عمل نیآورده است و دلیلی را هم ذکر نکرده اند.

در صورتکه نقاط متذکره از نظر استراتژی و جیوپلوتیکی در طول تاریخ دروازه مهم شاهراه ابریشم به شمار میرود. آثار و علایمکه در کوه پایه هاو درهای **واخان**، اشکاشم و زیباک با گذشت هزاران سال تاهنوز باقی مانده که از نظر مهندسی جواب گوی تمدن یونان باختر اند. از جمله صدها دژ نظامی و اجساد مومیایی شده که امروز به طور ناجوانمردانه از طرف مافیای منطقه و

جهان به غارت برده میشوند و از هیچ مرجع توجه صورت نمیگیرد که این عمل برای فرزندان اصیل این مرز و بوم سخت درداور است.

قابل یاد آوری است به نسبت فرهنگ پروری و ایمانداری فرزندان اصیل این خط تا دهه هفتاد به عنوان زیارت گاه و مکانات تاریخی مورد هیچ نوع دست برد قرار نداشتند و حفاظت شدند ولی مافیای منطقه و جهان به اثر کم ساختن اعتقادات فرهنگی زمینه غارت را مهیا ساختند.

بنده که یکی از متکلمین زبان اشکاشمی میباشم تاحدی به زبان وخی هم دسترسی دارم و معتقد هستم که زبان اوستای تاهنوز در میان زبان های پامیری بگونه زنده موجود اند. اگر چه استاد روان شاد **شاه عبدالله یمگی** تعدادی از کلمات و واژه های پامیری را در اثر ارمغان بدخشان و واژه های پامیری گردآوری نموده ولی متاسفانه خودش به زبان های پامیری آشنایی کامل نداشته در هنگام مصاحبه متکلمین کلمات را به گونه دیگر تلفظ نموده اند که اکثر واژه ها از نظر تلفظ و معنی به زبان اصلی اش مطابقت ندارند همچنانکه واژه ها معنی اصلی را افاد نمیکند اسمای این سرزمین را محققین خارجی به جای دیگر نسبت داده اند. بگونه مثال در آبان یشت فقره ۴۹ اوستا آمده است: «پهلوان **هوسراوا** عقب دریاچه کیگسته که عمیق است صد اسپ، هزار نرگاو و ده هزار گوسفند برای اناهیتا ربه النوع آب قربانی نموده و خواهش کرد تا بر شیاطین و ناکسان دست یابد.» بعضی ها این کلمه را نام قدیمه دریاچه **ایورومیه** در آذربایجان میدانند، دسته دیگر مدققین موقعیت آنرا بطرف شمال شرق آریانا قرار میدهند و **گایگری** آنرا عبارت از دریاچه **اسیک کل** میدانند اگر بگونه درست تحقیقات صورت گیرد اسیک نام دره در زیباک است که بجای حرف اول فعلا یا تلفظ میشود و به یسیک مسما است و نیز میتوان گفت که شاید ایسک کل به اسکتل تبدیل شده باشد که هر دو دریاچه مذکور از سرچشمه های دریای کوچک بشمار میرود. در ولسوالی اشکاشم چندین محل به نامهای (شاگان کیو، قژدکیو، کیوان یا گیوان دره، گوخانه) مسمی اند که نماینده گی از اقتدار کیانی میکند و در هریک از نقاط یاد شده دژهای نظامی وجود داشته که تا امروز دیوارهای برج و باروهای آنها نمایانگر حضور نظامی را در آن قله ها میکنند و شاهان کاوی همه اولاده و احقاد **کواکوبا** موسس این دودمان بودند که در سرودهای وید در زمیادیشث فقره ۷۱ و فروردین یشت

فقره ۱۳۲ در مورد کاوی - کوی و کاویا ذکر رفته است که احتمال دارد اگر دژتل کوک گوان دره و دژشاگان کیو در اشکاشم از طرف باستان شناسان حفریات و مورد بازجوی قار گیرد شاید آثار بدست آید که ثابت کننده بیان ما باشد.

چنانچه ذکر شد که زبان های پامیری در شمال هندوکش و زبان پشتو و دیگر لهجه ها در جنوب فرزندان یک مادر هستند که اوستا نامیده می شود ، اکثر کلمات و واژه ها در آنها از نظر تلفظ همسان و هم معنا میباشد و از نظر قواعد دستوری باهم مطابقت دارند . گرچه کتاب اوستا توسط دانشمندان چون **دارمستر** و دیگران ترجمه گردیده ولی به نظر بنده اگر کمیته فرهنگی از گوینده گان خبره و فصیح البیان و آگاه این زبانها تشکیل گردد شاید کتاب اوستا را بهترین مترجم خواهند بود.

گفته میتوانم به صدها و هزارها واژه در زبان های واخانی، اشکاشمی، منجانی، شغنانی و سنگلیجی که جز زبان اشکاشمی میباشدند و همچنان پشتو از زبان اوستایی تا امروز باقیمانده و گاهی نسبت گذشت زمان باتغیر یک هجا باز هم همان معنا را افاده میکند موجود هستند. مثلا چند واژه از زبان اوستایی در اشکاشمی:

○ هورامزدا : در زبان اشکاشمی تخفیف شده به رهمزد(آفتاب)

○ یات: در اشکاشمی با کاف تصغیر تلفظ میشود یاتک( پل )

○ پرین : در اشکاشمی ام پرین ( ر هفک یا راه صحب العبور) که جمع آن در

اوستا پریوانها

○ خررف: هم سان در اشکاشمی (درگاو، دریاچه )

به صدها واژه و کلمات دیگر در واخانی و شغنانی و دیگر لهجه های پامیری یافت میشوند که از زبان اوستا نماینده گی میکنند. همچنان از نظر فرهنگی گوینده گان لهجه های پامیری با دیگر اقوام خیلی ها تفاوت به نظر میرسند. مثلا عرف و عادات خانه نشین که همان طرح است که هورامزدا به یما گفت (وارا) را درست کند که همین خانه پامیری است که از آن زمان تاکنون باقیمانده که در دیگر نقاط جهان وجود ندارد (**مرحوم شاه خمار اف ابوسید**، نویسنده کشور

تاجیکستان و در پامیربدنیا آمده و در اثر خویش معلومات ارزنده را درین مورد آرایه فرموده اند. )  
**استاد دولت محمد جوشن** در وجه تسمیه بدخشان و اشکاشم مطالب را بیان فرموده است که قابل احترام ماست و به دیده قدر به نظریات ایشان مینگریم و من هم همچون گوینده زبان اشکاشمی توافق نظر دارم که زیاد ترین قریه جات و محلات بدخشان به زبان های پامیری نام گذاری شده که اگر خداوند یاری کند نامهای محلات که به زبان اشکاشمی یا درست تر بگویم آریایی گذاشته شده اند با تعداد از واژه های اشکاشمی را همراه با بقیه واژه های ارمغان بدخشان اثر مرحوم **(شاه عبدالله یمگی)** تقدیم خواننده گان محترم خواهم نمود.

قابل یاد آوری میدانم بتاريخ ۱۳۹۵/۱۰/۶ در اداره محترم ولسوالی اشکاشم به کمک محترم **محمد دین پیمان** به مطالعه راپور شمار مال، مواشی که توسط وزارت محترم مالیه حکومت شاهی افغانستان در سال ۱۳۲۸ تهیه گردیده دست یافتم.

که در آن قریه جات دفتری اشکاشم با تعداد خانوار و تعداد مال، مواشی چون اسپ، گاو، گوسفند، بز و مرکب با جمع پول محصول به خرانه دولت دقیقاً درج گردیده که قریه جات دفتری آن زمان اشکاشم از این قرار اند.

1. از قسمت بداردین الی زروار دره بنام غاران بالا ۳۴ خانوار
2. زیچ و انداج ۱۳ خانوار
3. یخدرو از قسمت یشدیو الی سر جنگل وار کد ۲۷ خانوار
4. شوالدره ۴ خانوار
5. بازگیر ۵۰ خانوار
6. نیچم ۱۴ خانوار
7. خوشپاک ۵۰ خانوار
8. اسکمال ۳ خانوار
9. چشخان ۳۴ خانوار که شامل قاضیده و کنگرک بوده
10. آهنگرده ۲۶ خانوار

11. تربت ۲۱ خانوار
12. اوساست ۱۷ خانوار
13. خیرمنی شامل سیخچ، بار بازارالی باشند ۲۶ خانوار
14. زرگران شامل صیاد، داروند و کندکاد ۲۳ خانوار

بنام ساکینین اصلی اشکاشم که مجموعاً به تعداد ۳۴۲ خانوار بوده همچنان در آن دفتر به تعداد ۱۷ خانوار بنام افغان تشکیلی با اسمای شان درج گردیده که از دیگر نقاط کشور در این سرزمین متوطن گردیده اند که مجموعه خانوار اشکاشم با ۱۷ تشکیلی کلاً از ۳۵۹ خانه تجاوز نکرده تا امروز که مدت ۶۷ سال میگذرد. اگر بصورت درست احصایه گیری بعمل آید دیده میشود که نفوس در این مدت چقدر رشد سرسام آوری داشته که هر یک از قریه جات متذکره به چندین شوراهای تقسیم گردیده و به هزاران نفر از دیگر نقاط در این محلات و وطن دارگشته است باز هم از محترم ( **پیمان** ) تشکری میکنم که به همکاری آن توانستم مطالب فوق را شریک دوستان گردانم ارقام مواشی و مجموع محصول مردم به عواید دولت را در مقاله واژه های اشکاشمی تقدیم تان خوهم فرمود .

تهیه و دیزاین: عبدالصبور عریف سپندکوهی

تاریخ : ۱۳۹۵/۱۰/۷